

○ حرف اول ما:

در این وانفسای "تهاجم" و "شبیخون"، که ارکان اعتقادات ناب دینی مورد هجوم واقع شده‌اند، یکی از دغدغه‌های اساسی، راهکار مبارزه با این دست "شبیخون‌ها" و "تهاجم‌ها"ست. بعد از اشاره مولای عشق، همه به این می‌اندیشیدند که از کدام راه و با کدام نیرو باید به جنگ این "تهاجم فرهنگی" برخاست. آن روز که آن سالار گوشزد کرد هنوز آرایش مشخصی از سپاه دشمن نبود، اما امروز تمام نیروهای آفندی و پدافندی دشمن در شکل و شمایل یک ارتش منظم در مقابل خاکریزهای اعتقادی ما موضع گرفته‌اند و گاه تک و پاتک‌های آنها نیروهای خودی را می‌آزارد. آن روز که مرد عشق، پیشگویی این هجمه را می‌کرد کسی حنجره مولایی‌اش را جدی نگرفت و امروز همه افسوس می‌خورند که ای کاش کاری کرده بودیم!

اما حالا که این گونه شده است و خیمه "شبیخون فرهنگی" سنگین شده چه باید کرد؟ قواعد این جنگ با تمام جنگ‌ها فرق می‌کند. اخلاصی که این "جبهه" نیاز دارد، حال و هوایی که این "خاکریز" می‌طلبد، چیز دیگری است. شاید "نماز شب" در این جبهه از جنس تهجدهای عارفانه شبانه نباشد - اگرچه به آن نیز نیاز است - این جبهه نماز شب می‌خواهد اما "نمازی فرهنگی، تهجدی اجتماعی" و "اخلاصی اعتقادی". به این هدف نمی‌توان رسید جز این که دل به کلام مولایمان بسپاریم و از امتحان تکالیفمان سربلند بیرون بیاییم و از "مسامحه"، "تن‌پروری" و "بی‌خیالی" در امور بپرهیزیم.

○ حرف دوم ما:

همه می‌دانیم مختصات "پیکار در جبهه فرهنگی" متفاوت با آن چیزی است که در "دانشگاه‌های نظامی" تدوین می‌شود. در این جبهه بیش از آن که "جمع" مطرح باشد، "فرد" مطرح است؛ یعنی اگر فرد، مسلح باشد و کوله‌پشتی‌اش را به تجهیزات کامل همراه کرده باشد، بسیاری از مشکلات قابل حل است. بر عکس جنگ نظامی که فرد در خدمت جمع است. اگر در جبهه فرهنگی "افراد" بتوانند خودشان را مسلح کنند، در "نهایت" جمع پیروز می‌شود. ولی اگر فرد، تن‌پروری و تن‌آسودگی و تساهل را رویه خود گرداند، دیگر وای به حال جمع! نارنجک، قمقمه، کوله، فانسقه و... همه مواردی که در تجهیزات فردی مورد نیاز است باید در یک "فرایند فکری" بدست آید، اگر این تجهیزات را با تفکر بدست نیاورد کافی است یک "ترکش کوچک" از جنس "شبهه" به فرد اصابت کند، آن وقت است که دیگر این زخم خوب‌شدنی نیست... دواستان! "جاده و اسب مهیاست"، آنچه نیاز اولیه ماست "بازسازی نیروی فکری" است؛ نیرویی که با "مطالعه، تفکر و تعمق" بدست می‌آید. هرگاه این سازوکار فرهنگی را آماده کردیم دیگر حتی "غول‌پیکرترین نیروها و تجهیزات شبیخون فرهنگی" نمی‌تواند به ما "چپ" نگاه کنند، چه برسد به این که با "تیر مستقیم" وجودمان را نشانه رود.

○ حرف سوم ما:

شاید حالا که حرف به این جا کشیده شد بد نباشد جملاتی از "فرمانده کل قوای فرهنگی" حضرت آیت‌الله خامنه‌ای «مدظله‌العالی» را با هم مرور کنیم:

- «نسل امروز، نسل بیداری است. ما می‌خواهیم این نسل، حقیقتاً نسل بیداری باشد. سیاست حکومت جمهوری اسلامی - که یک سیاست اسلامی است - بر مبنای (یثیروا لهم دفتائن العقول) است، باید این گونه باشد.»
- «معلوم می‌شود قبل از آن که ما به این مرحله برسیم که بخواهیم انسان‌ها را از گمراهی نجات بدهیم یا مانع شویم و از گمراهی آنان پیشگیری بکنیم مرحله‌ی وجود دارد و آن وارد کردن اینها به تفکر و تعقل و زنده کردن این روح در آنهاست.»
- «خوشبختانه امروز در سطح جامعه ما افراد با فکر و اهل اندیشه و اهل تعمق کم نیستند.»
- «کتاب برای استفاده این قشرهای جوانی که مایلند در زمینه مسایل اسلامی تعمق کنند کم داریم.»
- «بینید در درجه اول اولویت‌ها، حقیقتاً سؤال‌های عمده‌ای که امروزه وجود دارد چیست؟ اگر دیدید سؤال‌های اساسی وجود ندارد، تمهیدی بیندیشید در ذهن‌ها سؤال ایجاد کنید، این هم مطلب دیگر. بعد آن سؤال‌ها را در بهترین و قوی‌ترین تحقیق‌ها پاسخ‌یابی کنید، بعد آن پاسخ‌ها را در زیباترین نوشته‌ها و قوی‌ترین نثرها و گویاترین تعبیرها با کمال ایجاز غیر مُخل، تدوین کنید. بعد هم آن را با بهترین پوشش و پیرایه چاپ کنید و در اختیار مردم بگذارید.»^(۱)

عزت زیاد

□ سردبیر

۱. برگرفته از سخنان مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در جمع محققان پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی